

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

زرقا فروغ
۰۷ می ۲۰۱۴

حجاب و حجاب کودکان

حجاب چیست:

حجاب عبارت از پوشش و یا ستر بدن زنان است که از جانب مذهب و رژیم های مذهبی به عنوان مشخص کننده هویت یک زن مسلمان و متدین تجویز گردیده. حجاب در بر گیرنده ایدئولوژی بنیادگرائی اسلامی برای تحقیر زنان است. حجاب نه تنها وسیله ایدئولوژیک برای تحقیر زنان است بلکه ابزار سیاسی برای سرکوب مقاومت زنان نیز می باشد.

علت تأکید اسلام و اسلامیت ها بر حجاب:

در زمان ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان در کنار قبایل پدر سالار، قبایل مادر تبار نیز وجود داشت که زنان در آن از قدرت بیشتری بر خوردار بودند و مردان عرب آنها را احترام می گذاشتند (که شخصیت های زنان بر جسته اسلام نیز میراث آن زمانه ها می باشد). محمد با اسلامش به این دوگانگی ها خاتمه داد و قبایل مادر تبار را از بین برد. آن بت هائی که محمد آنها را از بین برد اکثرشان الهه های زن بود که مردمان عرب به آنها علاقه مند بودند و آنها را عبادت می کردند. با از بین بردن این بت ها محمد از یک طرف جایگاه اجتماعی زنان را ضربه زد و از جانبی دیگر محمد، الله را با خصوصیات مردانه اش جاگزین آن بت ها کرد که به این ترتیب وحدت قبایل عرب را تأمین کرد و آنها را از پرستش الهه های متعدد و فرقه گرائی بیرون ساخته و متوجه یک الله واحد کرد تا محمد با اعراب بتواند دست به کشورگشائی هائی متعدد بزند. آیت هائی را بدین منظور نازل کرد و زن را به اغواگری و فساد محکوم کرد و راه اصلاح آن را در حجاب یا ستر بدن زنان از چشم مرد بیگانه دانست تا باشد مالکیت مرد بر زن تضمین گردد. از جانبی زن را به عنوان یک موجود حقیر متوجه ساختن طبیعی بدنش ساخت که باید از نمایان کردن آن شرم داشته باشند، بدین ترتیب محمد توانست اعتماد به نفس را از زنان بگیرد تا نیازی به نیروی سر کوبگر برای تولید و باز تولید مناسبات پدر سالاری نباشد و این نظام خود بخودی نظم گرفته و پا بر جا باقی ماند.

حجاب کودک

امروز هم وقتی دختران کوچک سه چهار ساله با حجاب می بینم، آیا واقعاً می توانیم ادعا کنیم که این کودکان داوطلبانه و به خواست خودشان حجاب بر سر کرده اند و به اعتقادات مذهبی شان چنان پا بند و دل بسته اند؟!

اطفال بی دین و مذهب، آزاد به دنیا می آیند. این والدین هستند که آزادی آنها را محدود کرده و آنها را به صورت یک ملکیت در معامله می گیرند، شخصیت تعیین می کنند و مهر دین و آئین و مذهب را به آنها می زنند. ابتکار داشتن یک شخصیت مستقل را از ایشان سلب می کنند.

با پوشاندن حجاب بر دختران خردسال یک هویت تبعیض آمیز بر آنها تحمیل شده که این یک جرم غیر انسانی و از نظر اجتماعی غیر قابل قبول است.

والدین با آموزش دین و ترس از خدا، گناه، روز قیامت، آتش جهنم و غیره برای اطفال شان یک خیال کاذب ایجاد کرده و یک ترس دایمی را در ذهن کودکان پدید آورده، شادی و طراوت کودکانه را از ایشان می گیرند و آنها تمام عمر را در خوف از یک خدای وحشی و انتقام جو به سر می برند که بالاخره این اطفال با شخصیت غیر سالم و از خود بیگانه در یک فضای بسته و زندان افکار محدود و بسته دینی زیر فشارهای عصبی قرار داشته و همیشه در یک تناقض با جهان بیرون و آزاد بوده که در نتیجه این اطفال از نظر روانی غیر عادی و مریض بار می آیند. استعدادهای نقادانه و مستقل شان از بین می رود، این اطفال همواره عقده ای و افسرده می باشند.

بعضاً اطفال سرکش و بی باک بوده و در مقابل مغز شوئی های والدین و مذاهب تن در نمی دهند لذا بر اساس قانون مجازات اسلامی تعزیر می گردند (تعزیر یا تأدیب جزائی است که اندازه و مقدار آن بر روی شرعیت معلوم شده است و از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق می باشد در بعضی از موارد تعزیر کودکان جبری است.) مجازات و تنبیه جسمی کودکان نه تنها از نظر اسلامی بلکه بخش لاینفک از وظایف دینی والدین و کلیه مذاهب و ادیان است. مکانهای ایزوله و بسته مدارس دینی، مساجد، کلیسا، معابد، از مناسب ترین مکانهای اذیت و آزار جسمی کودکان می باشد. لذا اطفال حرف ناشنو و نافرمان همواره مورد مجازات و آزارهای جسمی و روحی والدین و مذاهب قرار داشته و وادار به فرمان برداری می شوند.

اطفال دختر هیچ گاهی به خودی خود انتخاب نمی کنند که در سن ۹ سالگی شوهر بگیرند و یا ختنه شوند و یا آشپز و خدمتگار افراد مذکر خانواده های شان باشند، از حق تحصیل، ورزش و بازی با اطفال هم سن و سال همجنس و غیر هم جنسشان محروم باشند و یا حجاب بر سر کنند.

این همه مقررات از جانب والدین با در نظر داشت مذهب، سنت و فرهنگ حاکم در جامعه وضع شده و بعضاً اطفال این روش ها را نظر به علاقه و محبتی که به والدینشان دارند می پذیرد، زیرا برای اطفال بزرگترین بد بختی قهر و نا راضی بودن والدین است. بنابراین اطفال این افکار را به صورت خود به خودی به عنوان یک روش متعارف زندگی می پذیرند.

حجاب در حقیقت تحمیل یک پوشش خاص بر کودکان دختر و سلب حق انتخاب پوشش از آنها است که این نمائی از ستمکشی کودک و به خصوص دختران خردسال است. زیرا این حجاب در مجامع رسمی چون مکتب، کودکستان و غیره دختران را ایزوله و انگشت نما و گوشه گیری می سازد.

پوشاندن حجاب و تمام لباسهای مذهبی بر کودکان تحمیل یک سیستم عقیدتی به آنها می باشد. بنابراین، هر انسان مترقی و آزادیخواه باید مانعی در برابر این عقاید دگم و عتیق گردد و خواهان جدائی کامل مذهب از زندگی شخصی از آموزش، پرورش و مصونیت مادی و معنوی کودکان و اطفال باشد.

چرا توحش و درنده خوئی مذاهب و اسلام نسبت به کودکان طبیعی قمداد گردیده و چرا زیر سایه مذهب به این بی حقوقی کودکان مهر تأیید زده شود؟! نباید مذهب را ابزار خفه کردن و مطیع نگاه کردن اطفال و کودکان ساخت!

لذا باید به اطفال اجازه دهیم تا به عنوان یک شخصیت مستقل، بدون وابستگی ها، آزاد رشد کرده و خود آنان تصمیم گیرنده سرنوشت شان باشند، نباید اطفال و کودکان را زیر تأثیر عواطف از حقوق و آزادیهای مدنی شان محروم کرد.

نقش مذهب توجیه بی حقوقی، فلاکت و بدبختی بشر از قبل تا حال بوده است.

منابع :

اسلام، حقوق کودک و حجاب – گیت راه کارگر، (منصور حکمت)

دین کودک آزاری سیستماتیک است (اعظم کم گوین)

حجاب توتالیتریزم اسلامی و اپوزیسیون (ژاله احمدی)

نشریه کودکان مقدمند، شماره ۱۱۴